

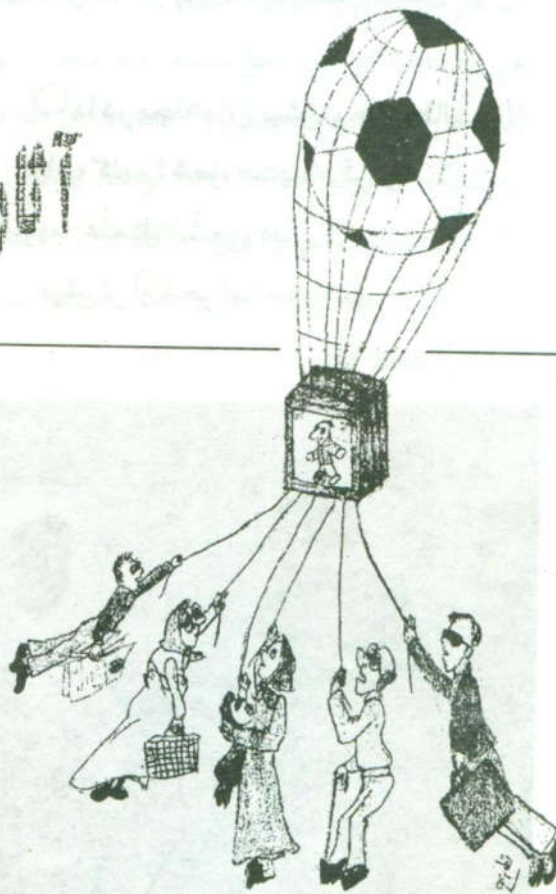
ورزش

آثار پیامدهای اجتماعی آن

مقالات علمی و غیر علمی گوناگونی در مطبوعات منتشر گردید که در این میان، برخی از قلم‌ها پرداختن به ورزش را چیزی جز بطلالت عمر و اسراف ندانستند.* آن‌چه در این مقال کوتاه، نگارنده در پی آن است، بررسی جایگاه ورزش در جامعه اسلامی و آثار و پیامدهای آن است.

اجمالاً باید گفت که ورزش به خودی خود، ابزاری خنثی است. همان‌گونه که می‌توان از این ابزار در جهت صحیح و برای اشاعه و تعمیق فرهنگ ملی، دینی و انقلابی بهره جست، می‌توان از آن در جهت تضعیف فرهنگ ملی و دینی و اشاعه فرهنگ بیگانه نیز استفاده کرد. مهم برنامه‌ریزی درست در زمینه سیاست‌گذاری ارزش‌ها و اشاعه فرهنگ ورزش در جامعه است. پیش از پرداختن به آثار و پیامدهای

* از جمله، می‌توان به سرمقاله ماهنامه کوثر، سال اول، شماره نهم، تحت عنوان «بت‌پرستی قرن» اشاره نمود.



مقدمه

ورزش و جایگاه آن در جامعه و بررسی آثار و پیامدهای مثبت و منفی آن از جمله موضوعات و مباحث حساس هفته‌ها و ماه‌های اخیر جامعه ماست. جشن و سرور ملی در مجامع ما در ماه‌های اخیر، به دلیل صعود تیم ملی فوتبال کشورمان به جام جهانی ۹۸ فرانسه در حدی بود که بنابه برخی از گزارش‌های رسمی و غیر رسمی، ده‌ها تن بر اثر شوک ناشی از هیجانات روحی، جان باختند. این مباحث به محافل علمی نیز کشیده شد و اظهار نظرها و

ورزش، تذکر چند نکته ضروری است:

۱- ما باید در مقام برنامه‌ریزی در سطح کلان، مصالح و خواست اکثریت افراد جامعه را لحاظ کنیم و با توجه به نیازها و خواست‌های آنان برنامه‌ریزی کنیم. از آنجا که بیش از ۵۰ درصد افراد جامعه ۶۵ میلیونی ما را جوانان تشکیل می‌دهند، نادیده گرفتن تمایلات و علایق آنان و در مقابل، برنامه‌ریزی در زمینه‌هایی که اقبال عمومی ندارد، به منزله به هدر دادن و تضييع اموال عمومی است.

۲- یکی از ابزارهای مهمی که در جامعه، به ویژه برای نسل جوان ما، اقبال عمومی دارد ورزش، به خصوص فوتبال، است. می‌توان از این مهم برای جذب و هدایت نسل جوان بهره جست و به صورت غیر مستقیم، در ضمن سرمایه‌گذاری در زمینه ورزش، جوانان را از افتادن در دام شیاطین نجات داد.

۳- بسیاری از پیامدهای ناگواری که ممکن است بر هر کاری - هرچند شایسته - پیش آید نه تنها ناپسند است، بلکه باید با برنامه‌ریزی صحیح، از سوء استفاده‌های احتمالی آن جلوگیری نمود. می‌توان علاوه بر جلوگیری از پیامدهای ناشایست احتمالی در توجه به ورزش، از این ابزار مهم در جهت اشاعه فرهنگ دینی و ملی و جذب جوانان به آن استفاده نمود و با برنامه‌ریزی حساب شده و درست، در بلند مدت، جوانان در قالب پرداختن به ورزش،

با فرهنگ دینی و ملی آشنا نمود.

۴- به همان میزان که سیاست‌گذاری در زمینه نهادینه کردن ورزش در جامعه دارای اهمیت است، پرداختن اقشار گوناگون جامعه به ورزش نیز قابل توجه است. علاوه بر این اشاعه فرهنگ ورزش از طریق وسایل ارتباط جمعی به منظور نهادینه کردن آن و تشویق اقشار جامعه، به ویژه جوانان، به آن دارای تز حساسیت ویژه‌ای است. بنابراین، باید هر سه مسأله سیاست‌گذاری در زمینه ورزش، توجه به ورزش، و نهادینه کردن آن، هم‌سو با اشاعه فرهنگ دینی باشد.

۵- امروزه چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، به دلیل کوچک شدن دنیای بزرگ و ایجاد نیازهایی جدید برای جوانان، توجه به ورزش مسأله‌ای ضروری است. بنابراین، شایسته است بدون افراط و تفریط و پرهیز از تعصبات خشک و بی‌مورد، از این فرصت طلایی، که اقبال عمومی و قابل توجهی نیز دارد، به نحو بایسته استفاده کنیم و با برنامه‌ریزی درست، جامعه اسلامی خویش را بیمه نماییم و در قالب ورزش یا قالب‌های هنری و به شکلی کاملاً جذاب، فرهنگ ملی و دینی را اشاعه دهیم. هم‌چنین می‌توان از این فرصت استفاده کرد و در سطح جهانی، استعدادهای درخشان جوانانمان را به منصه ظهور گذاشت و بدین‌وسیله، انقلاب اسلامی را به جهانیان صادر نمود.

با عنایت به نکات مزبور، اینک اجمالاً

پیامدهای ورزش را مرور می‌کنیم:

الف- شادابی و سلامتی روحی و

جسمی

از جمله آثار و پیامدهای ورزش، شادابی و سلامتی جسم و روح آدمی است. کسالت و خستگی ناشی از کار و تلاش روزانه و درگیری با مشکلات و کاستی‌های زندگی، وجود تنوع در زندگی و فراموشی این مشکلات و سختی‌ها را ایجاب می‌نماید تا فرد ضمن رفع کسالت و خستگی جسمی و مشکلات روحی، با نیرو و توان جدید، تلاشی دوباره آغاز کند. این مهم را می‌توان در سایه پرداختن به ورزش امکان‌پذیر ساخت. پرداختن به ورزش، به ویژه ورزش‌های جسمی، علاوه بر سلامتی جسم و رفع مشکلات و بیماری‌های جسمی، کمک شایانی به سلامتی و طراوت روح آدمی می‌کند و بدین‌سان، فرد با پرداختن به ورزش، ضمن گذران اوقات فراغت خویش و فراموشی مشکلات و کاستی‌های زندگی، علاوه بر تأمین سلامتی جسم خویش و آمادگی برای پرداختن به فعالیت‌های مجدد روزانه و کاستن از هزینه‌های زیاد درمانی، موجبات نشاط و شادابی روح افراد را فراهم می‌ورد. با این وصف، افرادی که دارای روح و جسمی سالم و شاداب‌اند، از طریق پرداختن به ورزش، مشکلات روزمره زندگی را به فراموشی خواهند سپرد و در محیط خانه نیز

دارای روابطی صمیمی و عاطفی خواهند بود. در نتیجه، زمینه و بستری مناسب برای تربیت فرزندان و جامعه‌ای آباد و با نشاط فراهم می‌شود.

ب- کاهش بزهکاری و انحرافات اجتماعی

از دیگر آثار و پیامدهای ورزش، می‌توان بعد اجتماعی و رابطه معکوس آن را با بزهکاری اجتماعی نام برد. اگر افراد جامعه، به ویژه جوانان، به جای پرداختن به کارهای بی‌ثمر، غیر مفید، لغو و حتی تماشای برنامه‌های ویدیویی و یا ماهواره‌ای ضد اخلاقی، که تأثیرات منفی جدی بر روح آنان دارد و موجبات انحرافات اخلاقی آنان را فراهم می‌آورد، به تفریحات و گذران سالم اوقات فراغت از جمله ورزش بپردازند، علاوه بر این که سلامتی روحی و جسمی و نیز پویایی و تحرک آنان فراهم می‌آید، زمینه و بستری مناسب برای کاهش بزهکاری و انحرافات اجتماعی به وجود می‌آید. بدین ترتیب، جوانانی که تا نیمه‌های شب، در پارک‌ها و خیابان‌ها پرسه می‌زنند و یا در سینماها یا بزم‌های دوستانه عمر خود را با رفقا به بطالت می‌گذرانند و علاوه بر این که موجب آزدگی و خستگی جسم و روح خویش می‌شوند، از نظر اخلاق نیز دچار آسیب و انحراف می‌گردند، اگر این افراد به جای پرداختن به این نوع کارها، به ورزش بپردازند و یا حتی در منزل و در کنار

والدین خویش به تماشای مسابقات ورزشی بنشینند، به زودی به میزان قابل توجهی شاهد کاهش بزهکاری و انحرافات اجتماعی خواهیم بود. اگر ما بتوانیم جوانان خویش را به جای افتادن در دام بزهکاری و انحرافات اجتماعی از قبیل دزدی و اعتیاد، به سمت ورزش بکشانیم و ورزش را بسان فرهنگ برای آنان درون-سازی کنیم، به میزان زیادی از انحرافات و بزهکاری اجتماعی در جامعه کاسته‌ایم.

خلاصه آن‌که ورزش و تربیت بدنی فعالیتی چند بعدی است: هم در بهداشت و سلامت جسم و هم در نشاط و انبساط خاطر و گذراندن اوقات فراغت و هم در زمینه آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی نقش مؤثری دارد. تأثیر ورزش در جلوگیری از بزهکاری و انحرافات اجتماعی جوانان، موضوعی مسلم است، به گونه‌ای که این فرضیه تا حدودی مورد قبول همگان می‌باشد؛ چه آن‌که اگر در ورزشگاه‌ها بسته شود، در زندان‌ها گشوده خواهد شد.

ج- گذران اوقات فراغت

پرداختن به ورزش و یا تماشای برنامه‌های ورزشی به نوعی گذران اوقات فراغت است. شاید بتوان گفت سالم‌ترین شیوه گذران اوقات فراغت، پرداختن به ورزش‌های متنوع فکری و جسمی است که علاوه بر پر کردن اوقات فراغت، سلامت روح و جسم آدمی و کاهش بزهکاری‌های

اجتماعی و سلامت جامعه را نیز تضمین می‌کند. هرچند پرداختن به ورزش، به ویژه ورزش‌های قهرمانی و از نوع جسمی، تأثیر بسزایی در جسم و روان افراد دارد، اما در عین حال، علاقه به تماشای ورزش‌های گوناگون، ابراز احساسات و تعلق خاطر به تلاش‌های ورزشی جامعه نیز نوعی گذران اوقات فراغت است.

بنابراین، به نظر می‌رسد باید علاوه بر سیاست‌گذاری صحیح در زمینه ورزش و سرمایه‌گذاری در اشاعه فرهنگ آن، افراد را در پرداختن به ورزش جسمی و فکری تشویق نمود و ورزش را بسان فرهنگی برای افراد جامعه درون‌ریزی نمود. اما باید در ضمن ورزش، فرنگ دینی را نیز به گونه‌ای کاملاً جذاب ترویج کرد تا افراد در گذران اوقات فراغت به جای پرداختن به برنامه ضد ارزشی و اخلاقی به ورزش بپردازند.

د- انسجام و وحدت اجتماعی

از دیگر پیامدهای ورزش، ایجاد وحدت و انسجام اجتماعی است. معمولاً هر کشوری در یک یا چند زمینه ورزشی شهرت جهانی دارد. همین مسأله موجبات وحدت ملی و انسجام اجتماعی آنان را فراهم می‌آورد؛ مثلاً، شهرت کشور روسیه در شطرنج، برزیل و آرژانتین در زمینه فوتبال و ایران در کشتی است. اساساً ورزش از جامعه ملتی یکپارچه و واحد می‌سازد، به ویژه ورزش‌هایی که نیازمند روح همکاری،

تعاون و هم‌یاری است. جامعه‌ای که احساسات خویش را برای قهرمانانش در عرصه‌های ورزشی به منصه‌ ظهور می‌گذارد و آنان را تشویق می‌نماید یا برای آنان دعا می‌کند، به یک کل واحد تعلق دارد و همین موجب وحدت ملی، تعلق خاطر افراد به یکدیگر و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها می‌شود.

هـ احیای فرهنگ ملی و دینی

از دیگر آثار اجتماعی ورزش در یک جامعه، احیای فرهنگ ملی و دینی است. جامعه‌ای که با برنامه‌ریزی صحیح، افراد خویش را از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و مجاری القای فرهنگ، به ورزش تشویق می‌کند، می‌تواند در عرصه‌های بین‌المللی به احیای فرهنگ ملی و دینی خود همت گمارد. اگر چند سال به عقب برگردیم و معجزه‌ای که جوانان دلاور این مرز و بوم در عرصه‌های جهانی به نمایش گذاشتند و در منظر میلیون‌ها نفر، برکشتی‌گیران امریکایی به پیروزی رسیدند و پرچم ایران را در جهان به اهتزاز درآوردند به خاطر آوریم، باور خواهیم کرد که سرمایه‌گذاری در زمینه ورزش از جمله ضروریاتی است که موجب احیای فرهنگ ملی و دینی و نکوداشت نام ایران اسلامی در جهان افسون‌زده امروزی می‌گردد. هم‌چنین اگر منصفانه به تأثیر صعود تیم ملی فوتبال ایران در جهان اسلام و ما به تأثیر پیروزی تیم فوتبال ایران بر آمریکا در فرانسه توجه کنیم، باور خواهیم

کرد که حداقل تأثیر این مسأله یک پارچگی، هم‌دلی، نزدیکی کشورهای جهان اسلام و بلکه قاره‌های آسیا و آمریکا به یکدیگر و انسجام و وحدت ملی ما بود که بار دیگر، در عرصه‌های بین‌المللی موجب اقتدار و عظمت ایران اسلامی گشت.

اشاعه فرهنگ دینی و صدور انقلاب

به نظر می‌رسد با اشاعه فرهنگ ورزش و نهادینه کردن آن و القای روحیه ورزشی در جامعه و با برنامه‌ریزی درست و بجا، می‌توان به اشاعه فرهنگ دینی اقدام نمود. بدین ترتیب، می‌توان در بلندمدت از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های احتمالی ناشی از ورزش کاست. به راستی، کدامین برنامه آموزش تلویزیونی، که مخاطبان آن جوانان باشند، به اندازه این جمله در قلب و روح جوانان تأثیر می‌گذارد که سردسته بازیکنان فوتبالست ایران در تلویزیون اعلام می‌کند ما در نیمه دوم بازی فوتبال با استرالیا تصمیم گرفتیم که «اگر پیروز شدیم به نیت پنج تن آل‌عبا علیهم‌السلام، پنج روز روزه بگیریم»؟ به راستی، آیا نمی‌توان هنگام ورزش در ورزشگاه‌ها، هنگام ورزش، صدای اذان محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را طنین انداز کرد و جوانان را در اوج ابراز احساسات ملی خویش با فرهنگ دینی آشنا نمود؟ آیا نمی‌توان در عرصه‌های بین‌المللی، با احترام به ارزش‌های اسلامی، انقلابی، - نظیر اجرای برنامه عزاداری توسط بازیکنان تیم ملی در

فرانسه به مناسبت رحلت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و امام حسن مجتبیٰ علیهما السلام و یا اهدای هدیه‌ای به سردسته تیم ملی آلمان به دلیل احترام به ارزش‌های انسانی در ایران - دشمنان اسلام را شکست داد؟ آیا عدم مواجهه با تیم‌های ورزشی دشمنانی چون اسرائیل در عرصه‌های بین‌المللی به احترام ارزش‌های دینی و انقلابی، به معنای طرد آنان نیست؟

آیا نمی‌توان برای صدور انقلاب جهانی اسلام، در مسابقات بین‌المللی، زمان بازی‌ها را به گونه‌ای تنظیم کرد که با وقت انجام واجبات دینی تلاقی نداشته باشد؟ آیا جوانان ما نمی‌توانند با الگوی اخلاق اسلامی و در کنار پیروزی در عرصه‌های بین‌المللی، سفیران انقلاب اسلامی باشند؟

ز- الگوسازی و الگوپذیری

اجتماعی شدن مفهومی است آشنا که از دوران کودکی و در مراحل گوناگون زندگی هم‌زاد آدمی است. اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن، کودکان و نوجوانان و حتی جوانان به طور کلی، الگوهای رفتاری، آداب و رسوم، سنن و مناسک، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را می‌آموزند. به عبارت دیگر، اجتماعی شدن سازش و تطابق آدمی با طبیعت و الگوهای رفتاری جامعه است. بدین‌سان، افراد با آموزش الگوهای رفتاری و درون‌ریزی آن‌ها، شخصیت‌هایی به‌نجار و اجتماعی می‌شوند.

اولین و مهم‌ترین کانون آموزش این الگوهای رفتاری برای کودکان، خانواده است. بدین‌ترتیب، کودکان والدین خویش را به عنوان الگوهای رفتاری خود می‌پذیرند. پس از طی مرحله کودکی، کودکان در دومین گام، وارد مدرسه می‌شوند. از این پس، در مدرسه، الگوها و آداب اجتماعی جدیدی می‌آموزند و در کنار خانواده، تحت تأثیر آموزش‌های مدرسه واقع می‌شوند. به دیگر سخن، مدرسه در اجتماعی شدن کودکان به کمک خانواده می‌شتابد. به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت، پس از خانه، مدرسه مهم‌ترین کانون آموزش آداب هنجارها و الگوهای رفتاری به کودکان است. با گذشت زمان و با قدم گذاشتن کودکان به سن نوجوانی و جوانی، این افراد الگوهای رفتاری خویش را از رسانه‌های ارتباط جمعی و الگوهایی می‌گیرند که از مجاری اشاعه فرهنگ القا می‌شوند. بدین‌سان، قهرمانان و دیگر الگوهایی را که از رسانه‌های ارتباط جمعی در زمینه هنر، ادبیات، شعر، ورزش، موسیقی و مانند آن معرفی می‌شود، به عنوان الگوی خویش می‌پذیرند و رفتارهای آنان را ملاک عمل و رفتار خویش قرار می‌دهند، حتی نوع لباس، آرایش مو و دیگر حرکات و سکنات خویش را براساس الگوهای ورزشی مورد علاقه خود تنظیم می‌کنند.

از آن‌جا که برخی از مسائل اهمیت مضاعفی دارد، از این رو، در رسانه‌ها باید



بازی (۲)

محمد مهدی صفورایی پاریزی

در شماره قبل، قسمت اول این مقاله به مضورتان تقدیم گردید. اینک قسمت دوم این مقاله را با هم می‌فوانیم:

بیش‌تر به تبلیغ آن‌ها توجه شود. به عنوان مثال، در جامعه‌ای موسیقی یا شعر، حایز اهمیت است، در جامعه‌ای دیگر ورزش. به نظر می‌رسد آن‌چه را که رسانه‌ها بیش‌تر بر آن تأکید می‌ورزند اهمیت و جایگاه رفیعی پیدا خواهد کرد. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، حتی نوع بازی کودکان و جوانان، بیش‌تر در زمینه ورزش تصاویر مربوط به قهرمانان ورزش‌های المپیک جهانی است که در قالب «کارت بازی» در جامعه رواج دارد. حال اگر ما در جامعه خودمان، به جای تبلیغ قهرمانان و الگوهای جوامع دیگر، به تبلیغ الگوهای خودی بپردازیم، طبیعی است که جوانان ما الگوهای خود را از این طریق کسب خواهند کرد.

بنابراین، می‌توان گفت یکی از عرصه‌هایی که جوانان الگوهای خویش را از آن می‌گیرند و رفتار خود را مطابق آن الگوها قرار می‌دهند، عرصه ورزشی است. اگر ما به ترویج و اشاعه الگوها و قهرمانان فرهنگیمان در زمینه‌های ورزشی، حفظ قرآن، معرفی افراد دارای تحصیلات عالی و سوابق انقلابی و دینی اقدام کنیم، نوجوانان و جوانان ما الگوهای خویش را از این طریق کسب خواهند کرد و بدین ترتیب، می‌توانیم امیدوار باشیم که جوانان ما با الگوهای شایسته‌تر و مناسب‌تر آشنا شوند.